

# نهی از قتل و ضرب و مجادله و تعرض و امثالها

حضرت بهاء الله

اصلى فارسی



لوح رقم (43) امر و خلق - جلد 3

## ۴۳ - نهی از قتل و ضرب و مجادله و تعرض و امثالها

در کتاب اقدس است قوله تعالى : قد حُرِّمَ عَلَيْكُمْ الْقَتْلُ وَالزَّوْنَا ثُمَّ الْغَيْبَةُ وَالْاِفْتِرَاءُ اجْتَنَبُوا عَمَّا نُهَيْتُمْ عَنْهُ فِي الصَّحَائِفِ وَالْاَلْوَا حِ قَدْ مُنِعْتُمْ فِي الْكِتَابِ عَنِ الْجِدَالِ وَالنِّزَاعِ وَالضَّرْبِ وَامْثَالِهَا عَمَّا تَحْزُنُ بِهِ الْاِفْتِدَاءُ وَالْقَلُوبُ مَنْ يَحْزَنُ اِحْدَا فِله اَنْ يُنْفَقَ تِسْعَةُ عَشْرَ مِثْقَالًا مِنْ الذَّهَبِ هَذَا مَا حَكَمَ بِهِ مَوْلَى الْعَالَمِينَ اِنَّهٗ قَدْ عَفَا ذَلِكُمْ عَنْكُمْ فِي هَذَا الظُّهُورِ وَيُوصِيكُمْ بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى اَمْرًا مِنْ عِنْدِهِ فِي هَذَا اللُّوحِ الْمُنِيرِ .

وقوله الحق : قد مُنِعْتُمْ عَنِ النِّزَاعِ وَالْجِدَالِ فِي كِتَابِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَظِيمِ تَمَسَّكُوا بِمَا تَنْتَفِعُ بِهِ اَنْفُسُكُمْ وَاهْلُ الْعَالَمِ كَذَلِكَ يَا مَرْكَمُ مَالِكُ الْقَدَمِ الظَّاهِرِ بِالْاِسْمِ الْاَعْظَمِ اِنَّهٗ هُوَ الْاَمْرُ الْحَكِيمُ .

وقوله تعالى : لَا يَعْتَرِضُ اِحْدٌ عَلَى اِحْدٍ وَلَا يَقْتُلُ نَفْسٌ نَفْسًا هَذَا مَا نُهَيْتُمْ عَنْهُ فِي كِتَابِ كَانِ فِي سُرَادِقِ الْعِزِّ مُسْتَوْرًا اَتَقْتُلُونَ مَنْ اَحْيَاهُ اللَّهُ بَرُوجٍ مِنْ عِنْدِهِ اِنَّ هَذَا خَطَاٌ قَدْ كَانِ لَدَى الْعَرْشِ كَبِيرًا اِتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَخْرَبُوا مَا بَنَاهُ اللَّهُ بَايَادِى الظُّلْمِ وَالطَّغْيَانِ ثُمَّ اتَّخَذُوا إِلَى الْحَقِّ سَبِيلًا .

وقوله جَلَّ وَعَزَّ : اَيَّاكُمْ اَنْ تُفْسِدُوا فِي الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلَاحِهَا وَمَنْ اَفْسَدَ اِنَّهٗ لَيْسَ مِنَّا وَنَحْنُ بِرِءَاءٍ مِنْهُ كَذَلِكَ كَانِ الْاَمْرُ مِنْ سَمَاءِ الْوَحْيِ بِالْحَقِّ مُشْهُودًا .



ORIGINAL

و قوله الابین الامتن : بشنوید وصیت جمالقدم را که از شطر سجن اعظم شما را ندا میفرماید بغی و طغی را بگذارید و بتقوی متمسک شوید نفوس خود را از اعمال شیطانیه مقدس نمائید و بطراز الهیه مزین دارید فساد و نزاع شأن اهل حق نبوده و نخواهد بود از اعمال شنیعه اجتناب نمائید ... و در مسالک تقدیس و تسلیم و رضا سالک شوید جهد نمائید تا صفات و اخلاق الهیه از شما ظاهر شود و بکمال استغناء و سکون ما بین بریه مشی نمائید و با کمال عدل و انصاف با یکدیگر معامله کنید خیانت را به امانت و غیبت را به تزکیه نفس و ظلم را به عدل و غفلت را به ذکر تبدیل نمائید اینست نصح رحمانی که از فم بیان مشیت ربانی ظاهر شده سعی نمائید که بلکه به اعانت الهیه آنچه در ملکوت تقدیر مقدر شده به اعمال شنیعه تغییر نیابد و تبدیل نشود .

و در کتاب بدیع قوله الابدع : اتقوا الله و لا تفسدوا فی الارض من بعد اصلاحها و لا ترتكبوا الفحشاء طهروا انفسکم عن کلّ ما حرم فی کتاب الله العلیّ العظیم ایّاکم ان تسفکوا الدماء و الذی سفک انه لیس منی و کان الله بریئ منہ و هذا ما نزل فی اول من ملکوت ربکم الرحمن الرحیم ایّاکم ان ترتكبوا ما یکرهه عقولکم و افئدتکم اتقوا الله یا ملأ المعرضین .

و در لوحی دیگر قوله الاحلی : یا قوم لا تفسدوا فی الارض و لا تسفکوا الدماء و لا تأکلوا اموال الناس بالباطل و لا تتبعوا کلّ ناعقٍ رجیم .

و قوله الاسنی : ایّاکم ان تسفکوا الدماء اخرجوا سیف اللسان عن غمد البیان لانّ به تفتح مدائن القلوب انا رفعنا حکم القتل عن بینکم انّ الرحمة سبقت الممکات ان کنتم تعلمون .

و قوله الابهی : سبحان الله قلم اعلی در لیلی و ایام اولیاء را به معروف امر فرموده و از منکر نهی در بعضی از الواح این کلمه علیا نازل طوبی از برای نفسی که بشنود و نگوید اگر نیکوئی از کسی بیند به مکافات قیام کنند اگر ضرری مشاهده کنند صبر نمائید و بخدا گذارند ضرب و شتم و جنگ و جدال و قتل و غارت کار درنده‌های بیشه ظلم و نادانی است اهل حق از جمیع آن مقدس و مبرا .

و قوله الاحلی : کلّ عباد را به نصایح مشفقانه نصیحت نمودیم که احدی متعرض احدی نشود و نفسی با نفسی مجادله ننماید بالمره حکم قتل در الواح بدیع ممنوع شده ... نصرت حق به نصایح حسنه و مواعظ حکیمه بوده نه به منازعه و مجادله بشنوید نصایح قلم اعلی را و از حکم الله تجاوز نمائید درین ظهور فساد بالمره نهی شده ... قسم به آفتاب افق تقدیس که اگر احبابم کشته شوند محبوب تر است نزد این عبد از سفک دم نفسی ... لازال حق آنچه خیر ناس بوده فرموده و بان حکم نموده اگر بهدایت اقبال نمودند این خیر راجع بان نفوس مقبله خواهد بود و الا ان ربک لغنی عن العالمین

و قوله الاسنى : قسم به آفتاب فجر توحيد که اگر احبای الهی کشته شوند نزد این عبد محبوب تر از آن است که به نفسی تعرض نمایند بگوای عباد جمال رحمن لاجل احیای عالم و اتحاد اهل آن ظاهر شده نه از برای تفریق و سفک دماء .

در لوحی دیگر قوله الاظهر الانور : هو المشرق من افق سماء البرهان کتاب انزله الرحمن لمن توجه الى الوجه الى ان فاز بما نزل في كتاب الله مالک الرقاب یا زین العابدین اسمع نداء المظلوم من یمین البقعة النوراء فی الفردوس الاعلی انه لا اله الا هو الفرد الواحد العزیز الوهاب انه مرة یدکر مقامه بالسجن الاعظم و اخرى بالفردوس الاعلی لعمر المقصود لا یغفله الفردوس عن ذکره و لا یضره فی سبيله قد حمل من البلايا ما لا اطلع به الا العليم الخبیر قد شهد لك لسان عظمتی اذ كان مستویاً علی العرش بتوجهک و حضورک و اصغائك نداء الله رب العالمین انک اذا رجعت الى مقامک ذکر اولیائی من قبلی و بشرهم بعنایتی نسأل الله تبارک و تعالی ان یؤیدهم و یقرّبهم الیه انه هو المقتدر القدير . یا زین العابدین بلسان پارسی ندای الهی را بشنو امروز باید دوستان طراً به اخلاق و اعمالی که سبب ارتفاع کلمة الله و ارتقاء نفوس است مشغول گردند رایت اخلاق مرضیه از هر رایتی سبقت گرفته علم باعمال طیبیه مقامش اعلی و اقدم بوده و هست بگوای دوستان لعمر الله جدال منع شده و نزاع و فساد و سفک دماء و اعمال خبیثه کل نهی شده نهیاً عظیماً فی کتابی العظیم بلی از قبل بعضی از بیانات نظر به طغیان حزب شیعه از قلم مطلع نور احديه نازل شده مثل اینکه در یک مقام فرمودند قد طالت الاعناق بالنفاق این اسیاف انتقامک یا قهار العالمین مقصود از امثال این عبارات اظهار کثرت خباثت معرضین و منکرین بوده ظلم معتدین بمقامی رسیده که کل دیده و شنیده اند باری قسم به آفتاب حقیقت که از افق سماء سجن مشرق و ظاهر است ابداً اراده جمالقدم نزاع و جدال و ما یتکدر به القلوب نبوده و نیست به الواح رجوع نمائید میفرماید عاشروا مع الادیان بالروح و الريحان و مقصود ازین کلمه آنکه نار بغضا که در افئده و قلوب ادیان مشتعل است به کوثر بیان نصح ربانی و وعظ سبحانی اطفاء پذیرد و خاموش شود و ساکن گردد و درین سنه که هزار و سیصد و شش است بخط مظلوم لوحی نازل و در آن این کلمه علیا از افق اشراق نموده یا قوم اذ کروا العباد بانخیر و لا تذکر وهم بالسوء و بما یتکدر به انفسهم ذکر سوء هم درین سنه نهی شده چه که لسان از برای ذکر حق است حیف است به غیبت بیالائید و یا به کلماتی تکلم نمائید که سبب حزن عباد و تکدر است معاشرت با جمیع احزاب را اذن دادیم مگر نفوسی که راحه بغضاء در امر الله مولی الوری ازیشان بیابید از امثال آن نفوس احتراز لازم امرأ من لدی الله رب العرش العظیم یا حزب الله اجعلوا شرابکم کوثر الوداد و شغلکم ما یظهر به الاتحاد و عملکم ما یتهدی به الناس الى صراط الله المقتدر القدير .